

قفقاز، منافع راهبردی ایران و چشم انداز روابط



کارشناسان حوزه قفقاز در میزگرد ایرنا به بررسی روابط گرجستان، ارمنستان و جمهوری آذربایجان و نیز منافع راهبردی ایران در این منطقه پرداختند و چشم انداز مناسبات کشورمان را با این سه کشور ترسیم کردند.

به گزارش آران نیوز، میزگرد ایرنا با حضور 'دکتر سید مهدی حسینی' رئیس بنیاد مطالعات قفقاز وابسته به دانشگاه تهران، 'دکتر ولی کوزه گر کالجی' کارشناس قفقاز در مرکز پژوهش های راهبردی مجمع تشخیص مصلحت نظام، 'دکتر آندرانیک سیمونی' زبانشناس و کارشناس ارمنستان و 'سالار سیف الدینی' و 'برهان حشمتی' کارشناسان جمهوری آذربایجان برگزار شد.

کارشناسان حاضر در این میزگرد به سابقه فرهنگی و تاریخی ایران در قفقاز اشاره کردند و برای تداوم و تقویت این پیوند تاریخی، پیشنهادهایی ارائه کردند. آندرانیک سیمونی به شرح تاریخ قره باغ پرداخت و دکتر کالجی نیز از طرح هایی سخن گفت که قدرت های جهان در مورد قره باغ دارند. دکتر حسینی هم با برشمردن طرح هایی که برای گسترش روابط ایران با قفقاز وجود دارد، توجه همزمان به توسعه مناسبات با همه کشورهای منطقه را ضروری دانست. سیف الدینی و حشمتی نیز فضای فرهنگی حاکم در روابط میان ایران و جمهوری آذربایجان را بررسی کردند. خلاصه ای از نقطه نظرات کارشناسان حاضر در این میزگرد درباره موضوعات مطرح شده در ادامه این نوشته منعکس شده است.

*** اهمیت قفقاز برای ایران

* دکتر ولی کوزه گر کالجی: نکته مهم برای ما این است که هم قفقاز و هم آسیای میانه، بخشی از حوزه آسیای غربی در سند چشم انداز ۱۴۰۴ است. 'قفقاز' عقبه فرهنگی و تمدنی و نیز عمق استراتژیک ما و همسایه بلافاصل ما است. همچنین ما در این منطقه نسبت به همسایگان جنوبی خود، اختلاف کمتر و همپوشانی های بیشتری داریم.

از سوی دیگر، امروزه قفقاز نقش یک پل ارتباطی میان اروپا و آسیا را بازی می کند. این منطقه، محل رقابت ناتو و روسیه نیز به شمار می رود. در حوزه انرژی، این منطقه هم برخوردار از انرژی و هم مستعد ترانزیت انرژی است.

قفقاز در گذشته نیز دروازه اروپا به ایران بوده است؛ مثلا نخستین تئاتر یا نخستین سینما اول به قفقاز وارد شد و از آنجا به ایران آمده است. بخش مهمی از جریان سیاسی چپ هم از صنعت نفت باکو و کارگرانی که آنجا بودند به ایران آمد.

* دکتر سید مهدی حسینی: به لحاظ جغرافیایی، منطقه ای که امروز با نام قفقاز جنوبی شناخته می شود، از نظر تاریخی و تأثیری که بر ذهنیت ایرانی گذاشته دارای اهمیت است. بسیاری از روندهای فکری در آن منطقه هم بر ایران تأثیر گذاشته و هم از ایران تأثیر پذیرفته است.

نکته دیگر این است که ما تنها کشور منطقه هستیم که در این ۲۵ سال با هر سه کشور جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان، روابط رسمی داشته ایم؛ در حالی که روسیه از سال ۲۰۰۸ به این سو، با گرجستان رابطه رسمی ندارد. ترکیه و ارمنستان هم که تقریبا از آغاز رابطه ای نداشتند. همچنین گرجستان و ترکیه با یکدیگر مسئله مرزی حاد دارند که فعلا از کنارش گذشته اند؛ اما این اختلاف همواره مستعد دردرسازای است. تنها کشوری که در اینجا مسئله ارضی با کشورهای این منطقه ندارد، ایران است و این موارد به دنبال خود مزیت هایی دارد که روابط منطقه ای را گسترش دهد.

* دکتر آندرانیک سیمونی: قفقاز جنوبی چه از لحاظ تاریخی و فرهنگی و چه از نظر آداب روزمره، منطقه ای ایرانی است. در گذشته، تفلیس مرکز حکومت قفقاز بود و زمانی که نفت کشف شد، باکو مرکز صنعتی و کارگری شد. ایرانیان هم برای کار به آنجا می رفتند.

در گذشته، دعوایی که امروز در منطقه قفقاز دیده می شود، وجود نداشت. جالب است که مراکزی که در منطقه بودند که قومیتی نبودند، بلکه اجتماع های تولیدی را تشکیل می دادند. ارمنستان امروزی هم باغستان های منطقه بود و همه اقوام در آن حضور داشتند.

این منطقه همچنین در طول تاریخ، دروازه آسیا به اروپا بوده است. به نظرم نگاه به تاریخ قفقاز دردناک است. زیرا بعدها تا رود ارس را جدا کردند. در نتیجه، تاریخ، فرهنگ و میانی ایرانی آنجا ماند. سپس در حالی که لایه ای از فرهنگ ایرانی در منطقه وجود داشت، یک لایه روسی هم به وجود آمد. پس از آن، یک لایه ترکی هم آمد. ترکیه دیرتر آمد اما بر اساس منافع راهبردی اش، از ابتدای قرن بیستم در این منطقه حضور یافت.

*** آیا برای تقویت لایه فرهنگی ایران راهی وجود دارد؟

** دکتر حسینی: فردی قرقیزی که نامزد ریاست جمهوری قرقیزستان و چندین دوره نماینده پارلمان آن کشور بود، آبان ماه سال گذشته تهران بود و می گفت که ۱۰ سال پیش، وقتی کودکی شبی بی تاب می کرد و نمی خوابید و مادر می خواست او را بخواباند، می گفت 'تا چینی ها نیامده اند بخواب!'.

این آقای قرقیز تعریف می کرد که چینی ها در یک دهه اخیر با نگاه راهبردی که به منطقه داشتند و ب هدف تغییر نگاه مردم قفقاز به فرهنگ چینی، فیلم سازان و روزنامه نگاران قرقیز را می بردند چین که مستند بسازند. به تدریج، تصویری از چین در رسانه های قرقیز شکل گرفت که مردم قرقیز اکنون با چین رابطه ای عاطفی برقرار کرده اند؛ به گونه ای که امروز قرقیزستان از نظر اقتصادی و فرهنگی در تسخیر چین درآمده است.

بنابراین، می شود کارهایی کرد؛ به شرط آنکه عقبه های تاریخی را بشناسیم. ما در منطقه قفقاز نباید تنها به یک مولفه فرهنگی، محدود شویم. *** جنگ قره باغ

* کالجی: قفقاز دارد تاوان مرزبندی هایی را می دهد که هیچ همخوانی با واقعیت های فرهنگی منطقه نداشت. در کتابی که احتمالا تا پایان سال جاری منتشر می شود، منازعه های 'قومی سیاسی' در قفقاز تشریح شده است. در این کتاب، هشت منازعه اصلی و فرعی یکجا آورده شده است. چهار منازعه اصلی، شامل 'چچن، قره باغ، آبخازیا و اوستیای جنوبی'.

اتفاقی که در قفقاز افتاد، این بود که از ابتدای قرن بیستم، هویت و قومیت تبدیل به یک ابزار سیاسی و ایدئولوژیک شد و متأسفانه منطقه هنوز دارد تاوان این دگرگونی را می دهد. شما سرنوشت دردناک ترکان مسقطی را ببینید که استالین آنها را از گرجستان به دره فرغانه در ازبکستان تبعید کرد. آنان ۷۰ سال در این منطقه ماندند و هویتی ازبکی پیدا کردند. بعد از ۷۰ سال برخی از آنان حالا می خواهند به گرجستان برگردند. باید دقت کرد؛ اتفاقی که سال های ۱۹۳۰ یا ۳۵ رخ داده است، سال ۲۰۱۶ آثارش را نشان می دهد.

اگر امروز هم مثلا در نشست های صلح سوریه قرار باشد توافق های صلح مبتنی بر تفاوت های قومی شکل بگیرد، منطقه روی آرامش به خود نخواهد دید و ۵۰ یا ۶۰ سال بعد دوباره آتش درگیری برافروخته خواهد شد.

من اعتقاد دارم ما باید در سطوح عالی کشور، کمیته ویژه قره باغ داشته باشیم. زیرا هر اتفاقی که در قره باغ رخ دهد، تمام موازنه های سیاسی را در منطقه برهم خواهد زد.

زمانی که نیروهای ارمنی در دهه ۹۰، منطقه قره باغ را گرفتند، هفت شهر پیرامون قره باغ را هم گرفتند. زیرا برآورد آنان این بود که اگر بر این هفت شهر مسلط نشوند، قره باغ از نظر امنیتی آسیب پذیر خواهد بود.

یکی از طرح هایی که اکنون وجود دارد و از سال ۲۰۱۱ در قازان طراحی شده، این است که از هفت شهر، پنج شهر به حاکمیت جمهوری آذربایجان برگردد، در مرحله بعدی برای دو شهر دیگر تعیین تکلیف شود و سپس نیروهای حافظ صلح روسی مستقر شوند.

از سال ۱۹۹۴ که قرارداد آتش بس (و نه صلح) میان ارمنستان و جمهوری آذربایجان منعقد شد، تاکنون سران دو کشور طرح های بسیاری را برای برقراری صلح بررسی کرده اند، اما به نتیجه ای نرسیده اند. الان شش هفت سال است که روس ها به موازات ساز و کار مینسک در سازمان همکاری و امنیت اروپا، یک ساز و کار سه جانبه هم میان مسکو، باکو و ایروان تعریف کرده اند.

شنیده شده که یکی از کارهایی که روس ها پیگیر آن هستند، عضویت جمهوری آذربایجان در اتحادیه اوراسیا و اقدام دیگر، بازگشت جمهوری آذربایجان به پیمان امنیت دست جمعی (CSTO) است.

در مقابل، ارمنستان نیز دست به اقدام هایی بازدارنده زده است. یکی از این اقدام ها، طرح شناسایی استقلال قره باغ است که به پارلمان ارمنستان هم رفت و در آنجا فعلا مسکوت مانده است. یک طرح هم که آقای باگراتیان، نخست وزیر سابق ارمنستان، چند ماه پیش مطرح کرد، هسته ای شدن ارمنستان بود که البته معاون پارلمان ارمنستان به فاصله چند روز، آن را تکذیب کرد.

فراموش نکنیم که ارمنستان از جمله جمهوری های شوروی سابق است که توانایی هسته ای غیرنظامی دارد و می تواند در وضعیت 'ابهام هسته ای' قرار گیرد. ابهام هسته ای، وضعیتی است که یک مقام، داشتن سلاح اتمی را تایید و مقامی دیگر تکذیب می کند.

**** حسینی:** در سابق، مثلا در آسیای میانه، ترکستان داشتیم و کسی به قومیت افراد (قرقیز، ترکمن،...) توجه نمی کرد. در زمان استالین برای اینکه حاکمیت روس ها مستحکم شود، مناطق قومی تشکیل دادند.

در قفقاز هم، در ایروان بسیاری از شهروندان، مسلمان بودند؛ همان طور که در باکو بسیاری از شهروندان، ارمنی بودند. اما وقتی شما می آید و ارمنستان یا گرجستان تاسیس می کنید، آبخازیایی ها که ۵۰ کیلومتر با تفلیس فاصله دارند، دیگر نمی توانند گرجی باشند. ارمنی هایی هم که در مناطق جنوبی هستند، نمی توانند گرجی باشند. وضعیت در جمهوری آذربایجان نیز به همین منوال است؛ در حالی که جمهوری آذربایجان، تالش، لزگی، تات و... دارد.

در زمان استالین، جمعیت ارمنه از آذربایجانی ها در قره باغ بیشتر بود. روسیه این منطقه را به جمهوری آذربایجان داد. اوستیای جنوبی هم به گرجستان داده شد؛ در حالی که اوستیای شمالی در خاک روسیه تعریف شد. یعنی گوشه گوشه از مرزهای این منطقه مستعد ایجاد بحران شد.

نکته شایان توجه این است که درگیری های قره باغ، در کنار مرز ایران صورت می گیرد نه کنار مرزهای روسیه، گرجستان یا حتی ترکیه.

*** سیمونی:** من می خواهم درباره پیشینه قره باغی ها نکاتی را بگویم. اولین خودمختاری قره باغ را نادرشاه افشار به آنها داد. در قره باغ، نام های ارمنی مانند عباس، حسن و حسین داریم. مثلا عباس جلالیان که جاسلیق مسیحی (رهبر دینی مسیحی) بود. در ارمنستان چنین نام هایی نداریم، اما در قره باغ داریم. قره باغی ها قومی سلحشور بودند و سواره نظام نادرشاه به شمار می رفتند.

در دوران معاصر، قره باغ دو روز پیش از جمهوری آذربایجان، سوسیالیستی شد. هشت ماه بعد، ارمنستان نظام شوروی را پذیرفت. در این هشت ماه، قره باغ جزئی از جمهوری آذربایجان بود. اتفاقا زمینه ساز سوسیالیستی شدن ارمنستان هم قره باغ بود. یعنی ارمنی ها کنفرانسی در قره باغ برگزار و اعلام کردند که ارمنستان باید نظام نو را بپذیرد.

سپس در ۲۹ نوامبر ۱۹۲۰ 'نریمان نریمانف' دبیراول حزب کمونیست جمهوری آذربایجان، فرمانی مبنی بر تعلق قره باغ، زنگه زور و نخجوان به ارمنستان صادر کرد. اما چندماه پیش از آن، ترک های کامالیست ترکیه به صورت مخفیانه با استالین توافق کرده بودند که قره باغ به ارمنستان نیبوند. بنابراین، استالین از حزب خواست که فرمان نریمانف را پس بگیرد.

از سوی دیگر، ارمنستان نیز پذیرفت که در نخجوان همه پرسی برای تعیین سرنوشت برگزار شود که البته این همه پرسی نیز برگزار نشد. در عوض، مطابق معاهده قارس که ۱۲ مارس ۱۹۲۱ میان ترکیه، جمهوری آذربایجان، ارمنستان و گرجستان و با نظارت روسیه بسته شد، توافق شد که قره باغ و نخجوان متعلق به جمهوری آذربایجان باشد.

**** چشم انداز روابط ایران با قفقاز**

**** حسینی:** یکی از طرح هایی که مطرح است، احداث راه آهن ایروان تفلیس باتومی است که یک سر آن باید به ایران وصل شود. بخشی از این راه آهن که داخل خاک ماست، حدود ۶۰ کیلومتر است. این طرح، مدتهاست که مطرح است.

الان طرح راه آهن رشت انزلی آستارا در جمهوری آذربایجان هم مطرح است.

همه این طرح ها باید برای ایران دارای اهمیت باشد. یعنی هم ارتباط ریلی با جمهوری آذربایجان و هم جمهوری ارمنستان برای ایران راهبردی است.

**** کالچی:** ارمنستان به نوعی دروازه ورود ایران به جهان مسیحیت است. از طرف دیگر، با توجه به قطع ارتباط ارمنستان از غرب و شرق، ایران دروازه ورود ارمنستان به خاورمیانه و جهان اسلام شمرده می شود.

من در پژوهشی، ۳۶ حزب سیاسی ارمنی را بررسی کردم. این احزاب در هر زمینه ای که فکرش را کنید با هم اختلاف دارند؛ جز یک مورد که آن هم ارتباط با ایران است.

راه آهن ایران به ارمنستان، با توجه به مسیرهای ناهمواری که در کشور ارمنستان باید ببیماید، در آن قسمت، حدود ۳/۵ میلیارد دلار هزینه خواهد داشت. ارمنستان چون کشور ثروتمندی نیست، در این زمینه از چین کمک خواسته است. پارسال نخست وزیر و رئیس جمهوری آذربایجان در ماه های فروردین و شهریور به پکن رفتند تا چینی ها این راه آهن را به عنوان بخشی از راه ابریشم جدید خود تعریف کنند. بلافاصله روس ها تبلیغات سنگینی علیه این طرح به راه انداختند.

در دولت آقای روحانی، روابط ایران و جمهوری آذربایجان بسیار بهبود یافته و طی ۳۰ ماه گذشته، آقای روحانی و 'الهام علی اف' رئیس جمهوری آذربایجان، دستکم شش بار دیدار داشته اند.

کمیتة اقتصادی که در گذشته غیرفعال شده بود، دوباره فعال شده است و 'واعظی' وزیر ارتباطات و فناوری اطلاعات ایران مدیریت آن را برعهده دارد. الان ارزش روابط بازرگانی ما با باکو تقریبا یک میلیارد دلار است که نیمی از آن را روابط مربوط به بخش انرژی تشکیل می دهد.

ایجاد راه آهن قزوین رشت آستارا نیز در گسترش روابط دو طرف اهمیت خواهد داشت.

توازن دهنده بیرونی در روابط قفقاز روسیه است، اما توازن دهنده درونی، گرجستان است. ما زمانی می توانیم روابطی متوازن با ارمنستان و جمهوری آذربایجان داشته باشیم که گرجستان را داشته باشیم.

با توجه به اهمیتی که این منطقه برای ایران دارد، 'تدوین سند سیاست خارجی ایران در حوزه آسیای میانه و قفقاز' ضروری است و این سند، ذیل سند چشم انداز ۱۴۰۴ و ذیل برنامه ششم توسعه می تواند تعریف شود.